

فرهنگ نامه اصول فقه

نخستین فرهنگ نامه جامع نگر در اصول فقه

محمد هادی یعقوب نژاد

مقدمه

در دهه های اخیر انبوهی از فرهنگ نامه ها و دایرةالمعارف ها در کشورهای اسلامی منتشر شده و یا در حال انتشار است. این رونق دیرآمده، مولود نیازی بسیار جدی و امیدوارکننده است که عصر دایرةالمعارف نویسی و موسوعه ها در جهان اسلام را نوید داده است. در ایران اسلامی، پس از انقلاب اسلامی نیز دایرةالمعارف ها، دانش نامه ها و فرهنگ نامه هایی منتشر شده و یا در دست انتشار است. اگر در مورد اطلاق عنوان دایرةالمعارف، دانشنامه، فرهنگ نامه و حتی فرهنگ، چند و چون نکتیم و به این مقوله از زاویه محتوای دایرةالمعارفی بودن آن بنگریم، تاکنون آثار فراوانی در این باره نوشته شده و یا در حال تدوین است.^۱

فرهنگ نامه ها از یک نگاه به دو دسته عمومی و اختصاصی (تخصصی) تقسیم می شوند. فرهنگ نامه های اختصاصی، دربردارنده آگاهی های زبده همه یک دانش خاص از علوم و معارف بشری هستند؛ مثل ذخیره خوارزمشاهی که ویژه دانش پزشکی است.^۲ سابقه تألیف فرهنگ نامه های تخصصی به زبان فارسی، چندان طولانی نیست و از حدود هفتاد سال تجاوز نمی کند که عمدتاً نام فرهنگ بر آن گذاشته و به شرح لغات در یک موضوع خاص اکتفا کرده اند.^۳

فرهنگ نامه اصول فقه؛ مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹، ۹۲۰ ص.

۱. مرتضی اسعدی؛ «دایرةالمعارف های شرق اسلامی»؛ کیهان فرهنگی؛ سال سیزدهم، خرداد و تیر ۷۵، ش ۱۲۷، ص ۳۴.
۲. ایرج افشار؛ «کتابشناسی فرهنگ های فارسی-اروپایی»، و علی اکبر دهخدا؛ لغت نامه، مقدمه، ص ۲۷۳.
۳. گفتگو با استاد حسن انوشه؛ کیهان فرهنگی، ش ۱۳، ص ۱۰۴.

در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ۱۳۸۹ یکی از فرهنگ‌نامه‌های تخصصی، کتاب فرهنگ‌نامه اصول فقه بود که در غرفه نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ارائه شد و مورد استقبال فرهیختگان قرار گرفت و در اولین روزهای نمایشگاه نایاب گشت. این اثر مورد توجه ویژه مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامت برکاته نیز واقع شد و اظهار نظرهای مشفقانه‌ای از سوی مؤسسات علمی و اشخاص مختلفی ابراز گردید که این مقاله به معرفی آن می‌پردازد.

نویسنده سعی کرده است ضمن معرفی اجمالی آثاری که در رشته اصول فقه تدوین شده و از نظر موضوعی فرهنگ‌نامه‌ای بوده‌اند، به بیان ویژگی‌های این فرهنگ‌نامه بپردازد؛ از این رو عناوینی مانند: معجم، دانش‌نامه، فرهنگ، شرح اصطلاحات، فرهنگ اصطلاحات، اصطلاحات اصولی و عناوین اصولی، با مراجعه به برخی کتابشناسی‌ها، کتابخانه‌ها و استفاده از ابزار جستجوی الکترونیکی بررسی شده، عجزاً چهارده عنوان در این نوشتار مورد مقایسه قرار گرفته است که تا حدودی در علم اصول فقه محتوای فرهنگ‌نامه‌ای دارند.

تعاریف

اصطلاحاتی مانند: واژه‌نامه، لغت‌نامه، قاموس، معجم، دیکشنری، فرهنگ و فرهنگ لغت، مفهوم واحدی دارند. گاه دیده می‌شود در تداول عام، فرهنگ را با فرهنگ‌نامه، دانشنامه و دایرةالمعارف هم معنی دانسته، برای عناوین کتاب‌هایی، نام کرده‌اند. شاید بتوان واژه‌های فرهنگ‌نامه، دانشنامه و دایرةالمعارف را کم و بیش نزدیک به هم و گاه هم معنی تلقی کرد، ولی میان فرهنگ و آن سه دیگر تفاوت‌های عمده‌ای است که بهتر است از انتخاب نام هر کدام به جای دیگری پرهیز شود؛ از این رو نخست مفاهیم فرهنگ و فرهنگ‌نامه، دانشنامه و دایرةالمعارف را به اختصار بیان می‌کنیم.

فرهنگ (فرهنگ لغات)^۴

واژه‌نامه یا فرهنگ، کتابی است که محتوای لغت باشد و از این جهت برابر نهاده «Dictionary» در زبان انگلیسی و «Dictionnaire» در فرانسه قرار می‌گیرد که ساختار و محتوای آن با دایرةالمعارف و دانشنامه و فرهنگ‌نامه کاملاً متفاوت است و در عربی، قاموس و معجم نامیده می‌شود. ۵. علامه دهخدا در لغت‌نامه خود نیز در ضمن شرح لغات به صورت تفصیلی، به شرح اعلام تاریخی و جغرافیایی نیز پرداخته است؛ از این رو این اثر ماندگار را می‌توان هم لغت‌نامه (فرهنگ لغات) و هم دایرةالمعارف دانست.

فرهنگ‌نامه

فرهنگ‌نامه، اسم مرکب فارسی به معنای کتابی است که در آن دانش و فرهنگ باشد. ۶. فرهنگ‌نامه را برابر دایرةالمعارف در عربی «Encyclopedia» در انگلیسی و «Encyclopedie» در فرانسه قرار داده‌اند. ۷. فرهنگ‌نامه کتابی است که در آن آگاهی‌های گزیده و موثقی از همه رشته‌های علوم یا در رشته‌ای خاص از دانش بشری به صورت مقالاتی، حسب موضوع، کوتاه و بلند فراهم آمده است و مراجعه‌کننده به آن، می‌تواند پاسخ سؤال خویش را در موضوع مورد نیاز به آسانی به دست آورد.

دانش‌نامه

دانش‌نامه اسم مرکب فارسی است، برابر «Cyclopaedia» اثری که حاوی اطلاعات به صورت مقاله درباره بخش خاصی از دانش بشری باشد و به معنای «کتاب علم، کتاب حکمت»، ۸. نام‌های که در آن از دانش سخن رفته باشد، تعریف شده است. سرور استار دایرةالمعارف بریتانیکای جدید، دو تعریف برای دانشنامه دارد. می‌گوید: «دانشنامه چیزی کمی بالاتر از کتاب مرجع است که چیزهایی را که وجود دارند، بتوان در آن دید» و در تعریف دیگری می‌گوید: «دانشنامه کاری است فرهنگی درون حلقه‌ای از تنظیم که کما بیش نزدیک است به آنچه آموزش و پرورش آزاد تصور می‌شود». ۹.

در حقیقت دانشنامه‌ها خلاصه دانش بشری عمدتاً در رشته خاص هستند که در یک مجموعه گردآوری شده، برای عموم فرهیختگان قابل درک و فهمند و استفاده از آنها و یافتن پاسخ در زمینه‌های مورد نظر سهل و آسان است. ۱۰.

۴. پوری سلطانی؛ اصطلاح‌نامه کتابداری؛ ویرایش دوم، تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۵ و واژه‌نامه و کیهان فرهنگی؛ ویژه دایرةالمعارف‌ها و دانش‌نامه‌ها.
۵. منیر البعلبکی؛ المورد؛ دارالعلم للملایین، ۱۹۸۹.
۶. لغت‌نامه دهخدا؛ ذیل «فرهنگ‌نامه».
۷. محمدحسین قرشی؛ کیهان فرهنگی، س ۱۳، ص ۳۰.
۸. اصطلاح‌نامه کتابداری و فرهنگ معین؛ ذیل «دانشنامه».
۹. وارن پریس؛ «یادداشت‌هایی در جهت دانشنامه‌ای جدید»؛ ترجمه احمد بیرشک و دیگران؛ مجله فرهنگ، ش ۲ و ۳، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
۱۰. همان.

فرهنگ نامه (دایرةالمعارف، دانشنامه) درباره زمینه های دانش بشری است؛ علاوه بر اینکه از نظر ساختار، فرهنگ نامه با فرهنگ متفاوت است؛ گرچه ممکن است هر دو بر اساس ترتیب الفبا تنظیم شوند.

به هر ترتیب پدید آوردن فرهنگ نامه های علمی به عنوان منبع معتبر برای دستیابی به آگاهی های درست و مستند با دیدگاه های علمی، در ردیف پژوهش های زیربنایی در حوزه مربوط قرار دارد.

دایرةالمعارف

دایرةالمعارف، اسم مرکب عربی است و برابر نهاده «Encyclopaedia» و به معنای کتابی مشتمل بر مجموعه ای از معارف بشری، فرهنگ و علوم است؛ در واقع خلاصه ای است از رشته های مختلف علوم که به سهولت قابل فهم و استفاده باشد. وارن پریس سروراستار دایرةالمعارف بریتانیکای جدید می گوید: «دایرةالمعارف ها، خلاصه ای از دانش اند که از نظر گردآوردندگان دایرةالمعارف ها، مهم شمرده می شوند و مایلند آنها را در یک مجموعه گرد آورند و هر عصری برگزیدگانی را بدین منظور می گمارند تا دانش پراکنده و بی نظم را شکل و نظم بخشند».^{۱۱}

با همه تفاوت دقیقی که در تعریف این سه عنوان وجود دارد، ولی در فارسی معاصر هر سه واژه فرهنگ نامه، دانش نامه و دایرةالمعارف، به یک مفهوم به کار می رود که البته با فرهنگ، تفاوت فاحشی دارد؛^{۱۲} بنابراین دایرةالمعارف یا فرهنگ نامه اطلاعات گزیده و آگاهی های دقیق، موثق و روزآمد در همه رشته های معارف بشری یا رشته های خاص است که بر پایه دانش و زبان خوانندگان آن توسط متخصصان و زبندگان رشته های مختلف گردآوری شده، سپس بر حسب نظامی خاص (بیشتر الفبایی یا موضوعی) مرتب شده است. این نوع منابع در زمره کتاب های مرجع قرار دارند و خواننده می تواند به آسانی پاسخ بعضی از سؤالات خود را در زمینه مورد نظر بیابد.^{۱۳}

در حالی که فرهنگ، واژه نامه یا لغت نامه، منبعی است که درباره کلمات و لغات زبان محاوره ای عام و یا رشته ای خاص، بر اساس نظم الفبایی (به طور معمول) مرتب می شود و به جز اطلاعات معنایی واژگان، مواردی مانند املاهی هجامندی، تلفظ، ریشه شناسی، اشتقاق، کاربرد مترادف ها، دستور و گاهی تصاویری که دال بر واژه باشد را ارائه می کند. واژه نامه ها حسب نوع، ممکن است حاوی همه یا بعضی از موارد یادشده باشند؛ مانند فرهنگ فارسی معین، فرهنگ عمید و ...^{۱۴}

بنابراین فرهنگ و فرهنگ نامه، هر کدام اطلاعات خاصی به خواننده می دهند و می توان گفت گستره اطلاعات موجود در فرهنگ ها درباره واژه های زبانی است، اما گستره اطلاعات

اهمیت فرهنگ نامه اصول فقه

فرهنگ نامه اصول فقه توسط جمعی از محققان مرکز اطلاعات و مدارك اسلامی تدوین شده و یکی از منابع موثق و مرجع^{۱۵} است که در آن آگاهی های پایه و گزیده از دانش اصول فقه با توجه به صحت علمی در قالب مقاله های کوتاه و فشرده فراهم آمده است.

در طبقه بندی رده شناختی، این فرهنگ نامه از نظر گستره، از جهتی مختصر است (نه مفصل) چون در یک مجلد تنظیم شده است و از سویی مفصل است؛ چون تمام موضوعات (۶۰۰۰ اصطلاح) در حوزه مورد نظر را پوشش داده است و از نظر سطح، ویژه بزرگسالان و از نظر شمول تخصصی است و موضوعات آن اختصاص به دانش اصول فقه دارد و بر اساس تنظیم الفبایی حرف به حرف تنظیم شده است.

مقایسه فرهنگ نامه اصول فقه با آثار مشابه

در قلمرو اصول فقه، پیشینه فرهنگ نامه نویسی سابقه زیادی ندارد. شاید اولین اثر به حدود پنجاه سال قبل برگردد. در این بخش، کتاب هایی را که تا کنون به عنوان فرهنگ اصطلاحات اصول فقه و یا معجم اصولی و یا هر نام دیگری که به منظور

۱۱. نوشین انصاری؛ اصطلاح نامه کتابداری؛ ص ۳، عباس حری؛ دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع رسانی؛ تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱.

۱۲. کیهان فرهنگی، سال سیزدهم، خرداد و تیرماه ۷۵، شماره ۱۲۷، ص ۳۰.

۱۳. همان.

۱۴. همان.

۱۵. مرجع، آنچه را که در امور به آن مراجعه کنند (فرهنگ معین). در اطلاع رسانی و کتابداری، کتاب مرجع عبارت است از: کتابی که محتوای آن به نحوی سازمان یافته باشد که مطالب مربوط به یک موضوع به گونه ای فشرده در بخش مشخصی از کتاب گردآمده و روشی سریع برای یافتن مطالب پیش بینی شده باشد (ر. ک به: مبنای مرجع؛ ترجمه و تألیف محمدحسین دیانی و دیگران؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، ص ۷۷).

شناسایی و توضیح اصطلاحات اصولی به چاپ رسیده اند، نام می‌بریم و با یادکرد ویژگی‌های آنها به مقایسه فرهنگ حاضر با آنها می‌پردازیم.^{۱۶}

۱. اصطلاحات الاصول

- این کتاب از نگاشته‌های آیت‌الله میرزا علی مشکینی (ره) (۱۳۰۰-۱۳۸۶) است که چاپ اول آن در سال ۱۳۸۳ قمری (۴۸ سال قبل) در سیصد صفحه وزیری انتشار یافت. چاپ پنجم آن نیز در سال ۱۳۷۱ شمسی با اضافات جزئی مؤلف، توسط دفتر نشر الهادی قم صورت گرفته است.

- سرفصل‌های این کتاب به ۱۴۵ عنوان می‌رسد که به شیوه الفبایی ردیف شده و در ضمن بحث از اصطلاحات کلی (اعم) به پاره‌ای اصطلاحات جزئی (اخص) نیز پرداخته شده است؛ برای مثال در اصطلاح «الامر» بعد از تعریف لغوی و اصطلاحی، اقسام آن آورده شده است؛ همانند امر مولوی، امر ارشادی، امر تعبدی و امر توصلی، و برای هر یک جداگانه و به اختصار شناسه‌ای آورده شده است؛ اما با این وصف شماره اصطلاحاتی که مورد بحث قرار گرفته‌اند، افزون از پانصد اصطلاح نیست.

- از نظام ارجاعات در متن کتاب استفاده نشده است، فقط در فهرست پایان کتاب هفده مورد ارجاع وجود دارد؛ برای مثال بحث علم اجمالی و علم تفصیلی، در ردیف الفبایی کتاب نیامده است و با مرور فهرست، مشاهده می‌کنیم که آن عنوان به بحث قطع ارجاع شده است.

- در این کتاب، دیدگاه‌های اهل سنت و اصطلاحات خاص آنان آورده نشده است.

این کتاب به زبان عربی است و پانوش و فهرست منابع ندارد. شاید نخستین فرهنگ نامه‌ای که در علم اصول فقه نوشته شده است، همین کتاب باشد.

- تلاش مؤلف در توضیح عناوین با حسن تعبیر و پرهیز از اضافات و در مواردی ذکر مثال برای استفاده‌کننده بسیار کارساز و مفید است.

۲. معجم المصطلحات الاصولیه

نویسنده این کتاب، محمد الحسینی است که برای اولین بار در سال ۱۴۱۵ ق (۱۹۹۵ م) از سوی مؤسسه المعارف للمطبوعات در ۱۷۶ صفحه وزیری کوچک به چاپ رسیده است.

- این کتاب به زبان عربی و بسیار مختصر است.
- پاورقی و فهرست منابع ندارد. فقط در مقدمه متذکر شده است که از منابع زیادی استفاده کرده و در داخل مقدمه دوازده عنوان را نام برده است.

- فقط به تعریف اصطلاح بسنده شده است و بیشتر، شبیه کتاب لغت است.

- از نظام ارجاع استفاده نشده و اصطلاحات مترادف آورده نشده است.

- گاهی از ارجاع «نیز رجوع کنید» استفاده کرده است.

۳. فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول

این کتاب نوشته عیسی ولایی (متولد ۱۳۲۹) است که اولین چاپ آن در سال ۱۳۷۴ و چاپ دوم آن با تجدید نظر در سال ۱۳۸۰ از سوی نشر نی در ۳۶۰ صفحه وزیری انتشار یافته، از ویژگی‌ها و امتیازات خوبی برخوردار است؛ همچون:

- زبان فارسی روان و قابل استفاده برای دانش‌جویان و طلاب؛

- آوردن فهرست مدخل‌ها در ابتدای کتاب؛

- آوردن منابع در پاورقی و ذیل هر اصطلاح (هرچند منابع محدود است)؛

- ارجاع برخی از مداخل به موارد لازم؛

- آوردن مثال‌های حقوقی و مسائل روز اجتماعی برای شرح اصطلاحات؛

- آوردن اصطلاحات و دیدگاه‌های اهل سنت؛ هرچند به صورت محدود؛

- استفاده از منابع غیر اصولی؛ همانند کتب حقوقی، روایی، کلامی و تاریخی.

با این حال:

- تعداد اصطلاحات آن اعم از مدخل‌ها و ارجاعات ۵۱۱ عنوان است.

- ارجاعات آن کم است و به درستی مترادف‌ها و اعم و اخص‌ها معلوم نشده است.

- برخی از اصطلاحات مهم در جایگاه الفبایی نیامده است، در حالی که برای آن توضیح قابل ملاحظه‌ای در جای دیگر داده شده است؛ مانند: «بداء» که حدود دو صفحه تحت عنوان «نسخ و بداء» آمده و اطلاعات ذکر شده تماماً به بداء مرتبط است

۱۶. در این بخش، از مقدمه فرهنگ نامه اصول فقه (نوشته نگارنده) نیز استفاده شده است.

۵. معجم مصطلحات اصول الفقه

نویسنده این کتاب قطب مصطفی سانو استاد فقه اسلامی دانشگاه کویت است. اولین چاپ آن را مؤسسه دارالفکر در ۴۸۴ صفحه و زبیری به سال ۱۴۲۰ هجری قمری/ ۲۰۰۰ میلادی در دمشق به انجام رسانده است.

نویسنده در این کتاب که به زبان عربی است، دیدگاه‌های اهل سنت را آورده است.

- قریب به ۱۶۰۰ اصطلاح را آورده و در موارد قابل توجهی، به بیان معنای لغوی بسنده کرده است.

- در توضیح اصطلاحات از آیات قرآن کریم استفاده قابل توجهی شده است.

- ارجاع ندارد؛ مگر اندکی که به چشم نمی‌آید؛ آن هم عمدتاً ارجاع را در داخل متن قرار داده است.

- اصطلاحات را به ترتیب الفبا آورده و نام معادل انگلیسی هر اصطلاح را مقابل آن آورده است.

- تقریباً از اکثر منابع اصولی اهل سنت استفاده نموده، ولی در پاورقی‌ها هیچ‌گونه آدرس دهی نشده است.

- در مواردی فقط عنوان را ذکر کرده و هیچ توضیح و یا ارجاعی برای آن نیاورده است؛ مثل المسند، المخصوص.

- تنها به اصطلاحات اصولی پرداخته نشده است، بلکه اصطلاحات فقهی، ادبی، فلسفی و کلامی نیز یافت می‌شود.

- در مواردی، عناوین محاوره‌ای را نیز آورده و معنای لغوی بسیار کوتاه در قالب یک یا دو کلمه برای آن ذکر کرده است؛ مثل الباب- حقیقه الشئی، المقصد، المستور، المستند، المرض، اللغه.

۶. واژه‌شناسی اصطلاحات اصول فقه

- این کتاب را احمد قلی زاده گردآوری و تدوین کرده است. چاپ آن توسط بنیاد پژوهش‌های علمی و فرهنگی نورالاصفیاء،

در ۲۲۴ صفحه و زبیری در سال ۱۳۷۹ به انجام رسیده است.

- ۵۸۱ اصطلاح به ترتیب الفبا آورده و درباره آنها مطالبی ذکر کرده است.

- فهرست منابع ندارد. فقط به حدود دوازده کتاب در پاورقی برخی صفحات ارجاع داده است.

- نویسنده در مقدمه خود می‌نویسد: از کتاب‌هایی همچون معالم الاصول و اصول الفقه و نیز شروح و کتب اصولی استاد

محممدی بهره‌های بسیاری برده است.

- فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول را کامل تر می‌دانسته و از آن در موارد زیادی نقل کرده است.

- همان‌طور که نامگذاری کتاب حکایت می‌کند، بیشتر در صدد شناسایی واژه‌های اصول فقه بوده است.

و استفاده‌کننده بدهاء را به دست نمی‌آورد؛ چون در ردیف الفبایی نیامده است.

- قرار مؤلف بر رعایت کردن نظام الفبایی است، ولی در مواردی اصطلاحات مهمی را در ردیف الفبا آورده و توضیح آن

را به جای دیگری موقوف نموده است؛ مانند: ناسخ و منسوخ که به نسخ ارجاع شده است.

- برخی از اصطلاحات در لابلای اصطلاح اعم خود مورد بحث قرار گرفته است؛ مانند وضع تخصصی، وضع

تخصیصی، وضع تعینی و وضع تعینی؛ هر چند گاهی در ردیف الفبایی ارجاع نیز صورت گرفته است.

- با اینکه نام کتاب «فرهنگ تشریحی اصطلاحات» است، در موارد قابل توجهی تعریف و توضیح اصطلاح از یک یا دو سطر

تجاوز نمی‌کند؛ مانند: ضد خاص، ضد عام، ظن مطلق، ظن موضوعی، ظن نوعی، فقیه، فهوری الخطاب.

- عناوین ارجاعی مانند عناوین اصلی، به عنوان مدخل انتخاب شده و ردیف مسلسل گرفته است؛ مانند: ظن

اطمینانی، ظن قوی، صحت سلب، امکان و ...

۴. فرهنگ اصطلاحات اصولی

این کتاب اثر محمدحسین مختاری مازندرانی (متولد ۱۳۳۷)

رئیس گروه مطالعات اسلامی دایرةالمعارف انبیا شناسی است که اولین چاپ آن در سال ۱۳۷۷ در ۲۹۶ صفحه توسط انتشارات

از سوی انتشارات انجمن قلم ایران به انجام رسیده است.

- حدود چهارصد اصطلاح اصولی به صورت الفبایی، به اختصار و به زبان فارسی در این کتاب آورده شده است.

- در موارد اندکی، دیدگاه اصولیان را آورده است.

- پانوشته‌های معدودی دارد.

- در فهرست منابع آن شانزده منبع ذکر شده است.

- در پایان کتاب، فهرست مدخل‌ها را ذکر کرده است.

- تنها مأخذی که از عامه آورده، کتاب «المستصفی» اثر غزالی است؛ ضمن آنکه چند اصطلاح اصولی از اهل سنت را نیز آورده است.

- از نظام ارجاع استفاده نشده و اصطلاحات مترادف ذکر نگشته است.

۷. المعجم الاصولی

این کتاب را الشیخ محمد صنقور نوشته است. چاپ اول آن به زبان عربی در سال ۱۴۲۱ قمری در ۱۰۰۸ صفحه وزیری در یک مجموعه انجام شده است. ناشر آن مؤلف است که اثر خود را توسط چاپخانه عترت به چاپ رسانده است.

- قریب به ششصد (۶۰۰) اصطلاح اصولی را به صورت نسبتاً مبسوط در این کتاب به شیوه الفبایی توضیح داده است.

- مهم ترین اصطلاحات اصولی را شرح کرده است.

- پاورقی ندارد؛ مگر اندکی که در پایان کتاب صد مورد تحت عنوان هامش آورده است که عمدتاً آدرس آیات و روایات است.

- اگرچه در مواردی از اهل سنت مطالب و دیدگاه‌هایی بیان شده است، اما در فهرست منابع، منابع اهل سنت را نیاورده است.

- در پایان ۵۴ کتاب را با عنوان مصادر کتاب ذکر کرده است.

- تنها در مواردی به دیدگاه‌های مختلف اصولیان شیعه پرداخته است.

۸. معجم مصطلحات اصول الفقه

این کتاب را عبدالمنعم محمود عبدالرحمن نوشته و مؤسسه دارالفضیله به چاپ رسانده است. این کتاب به زبان عربی است و پاره‌ای از اصطلاحات اصولی را شرح کرده است.

۹. العناوین

نوشته سیدمنیر عبدالفتاح الحسینی المرآغی (۱۲۶۶-۱۲۷۴ ق) است که اولین ویرایش آن در سال ۱۴۱۷ در دو جلد وزیری

توسط جامعه مدرسین به چاپ رسیده است. ۱۸۸ عنوان فقهی و اصولی در این کتاب تحقیق شده است. در جلد اول، ۹۴ عنوان و در جلد دوم نیز ۹۴ عنوان را به صورت مفصل بحث و

بررسی کرده است. عناوین را در پایان کتاب تحت عنوان «فهرست العناوین» ذکر کرده است؛ به صورت فرهنگ‌نامه‌ای

تنظیم نشده است؛ پاورقی دارد؛ فهرست منابع ندارد.

۱۰. عناوین الاصول

نویسنده اثر محمد مهدی الکاظمی الخالصی الخراسانی است (م ۱۳۴۳ ق) است. چاپ اولین کتاب در سال ۱۳۴۲ ق

در مطبعه دارالسلام بغداد در دو جلد به انجام رسیده است. فهرست مطالب دارد و عناوین مهم اصولی را شرح کرده است.

جلد اول ۱۰۴ صفحه و ۱۵ عنوان و جلد دوم ۹۸ صفحه و ۱۰ عنوان را شامل می‌شود. اثر حاضر به صورت فرهنگ‌نامه تنظیم نشده است.

۱۱. مبادی و اصطلاحات اصول فقه

این کتاب نوشته جلال جلالی زاده است که چاپ اول آن در سال ۱۳۸۷ شمسی در ۳۰۴ صفحه وزیری کوچک از سوی نشر

احسان (تهران) منتشر شده است.

- این اثر پس از مقدمه‌سی صفحه‌ای، اصطلاحات اصول فقه را عمدتاً از منظر اهل سنت گرد آورده است.

- نویسنده، روی جلد عنوان «ویژه اهل سنت» را آورده و اصطلاحات خاص آنان را نیز شرح کرده است.

- به ترتیب الفبا و به زبان فارسی است.

- تنها به توضیح کوتاه اصطلاحات اکتفا کرده، از نقل قول و

دیدگاه‌های افراد پرهیز کرده است.

- نظام ارجاعات ندارد.

- فهرست اصطلاحات ندارد.

- پانویست ندارد.

- در پایان ۲۹ کتاب را به عنوان منابع آورده است.

۱۲. معجم مصطلح الاصول

این کتاب تألیف هیثم هلال است. چاپ اول آن را دارالجبل (بیروت) در ۳۹۲ صفحه وزیری در سال ۱۴۲۴ هـ ۲۰۰۳ م به

انجام رسانده است.

- این کتاب عربی است و اصطلاحات غیر اصولی فراوان دارد و در بسیاری به معنای لغوی اکتفا کرده است و بیشتر به

فرهنگ لغت تخصصی شبیه است تا به فرهنگ‌نامه.

- فهرست اصطلاحات دارد و حدود ۱۸۴۵ عنوان را آورده است.

- ارجاع دارد.

- در پایان، فهرست منابع و فهرست آیات قرآن را ذکر کرده است.

۱۳. مصطلحات الفقهاء والاصولیین

این کتاب را محمد ابراهیم الحنفاوی نوشته است و چاپ دوم آن را دارالسلام للطبعه والنشر والتوزیع والترجمه مصر در ۲۷۷

صفحه وزیری در سال ۱۴۲۸ هـ ۲۰۰۷ م به انجام رسانده است. این کتاب عربی است و رموز و اصطلاحات خاصی که علمای

فقه و اصول بر مذاهب مختلف به کار برده اند را شرح داده است.

- غیر از چهار مذهب معروف اهل سنت، مصطلحات فقها و اصولیان زیدیه، امامیه، اباضیه و ظاهریه را نیز متذکر شده است.

- بیشتر شبیه یک کتاب است تا فرهنگ‌نامه.

- نظم الفبایی و ارجاع ندارد.

به اصطلاح مترادف می باشند .

۴ . فرهنگ نامه نویسی هم به لحاظ شکل و هم به لحاظ روش ، مستلزم کار جمعی برنامه ریزی شده و سامانمند است .
عموماً کارهای صورت گرفته فردی بوده است نه گروهی .

۵ . تدوین کنندگان فرهنگ نامه ، در مواردی لازم است پس از تعریف و توضیح اصطلاح ، محقق را به اصطلاح وابسته و یا قسیم آن ارجاع دهند ؛ در حالی که در بیشتر فرهنگ نامه های موجود ، این مهم انجام نشده است .

۶ . از میان این کتاب ها ، تنها کتابی که دارای آدرس در پاورقی است ، کتاب فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول است .
در این کتاب نیز مؤلف به شکل وافی به این امر نپرداخته است .

۷ . زبان برخی از آنها عربی است و این امر مانع استفاده همه دانش پژوهان فارسی زبان از مطالب آنها شده است .

۸ . در پاره ای از آنها ، تعریف و توضیح اصطلاح از یک سطر تجاوز نمی کند و گاه در حد یکی دو کلمه است .

۹ . بسیاری از اصطلاحات ، در لابلای اصطلاح اعم خود ، مورد بحث قرار گرفته اند و به شکل جداگانه و مستقل مطرح نشده اند . ارجاع خاص به عام هم صورت نگرفته است که همین امر ، استفاده کننده را با مشکل مواجه ساخته است .

۱۰ . تعداد مآخذی که به عنوان فهرست منابع معرفی شده است ، محدود بوده ، حتی برخی از آنها فاقد مأخذ هستند .

۱۱ . در بیشتر آنها بررسی کامل صورت نگرفته و به موارد اختلاف و دیدگاه های متفاوت اشاره نشده است .

۱۲ . تعداد اصطلاحات اصولی مخصوص به اهل سنت که در بعضی از فرهنگ های یاد شده آمده است ، اندک است و در بسیاری از آنها به دیدگاه های اهل سنت اشاره نشده است .

۱۳ . این کتاب ها تعداد محدودی از اصطلاحات علم اصول فقه را مدخل کرده ، توصیف نموده اند که شاید شمارگان آنها از ۱۸۰۰ تجاوز نکند .

۱۴ . همه موضوعات علم اصول را پوشش کامل نداده اند ؛ از این رو استفاده کننده برای رفع نیاز خود با مشکل مواجه می شود .

ویژگی های فرهنگ نامه اصول فقه (تدوین مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی)

این اثر علمی ، دارای شاخصه هایی است که به اختصار می آید :
۱ . تدوین فرهنگ نامه ، از جنبه های روشی و ساختاری ، مستلزم کار گروهی و جمعی است که عمدتاً در جامعه ما کم سابقه و مستحدث است و یکی از ویژگی های مهم این اثر آن است که به صورت گروهی با برنامه از پیش تعیین شده و بر اساس نظر جمعی و رأی گیری صورت گرفته است و کار فرد نیست .

- پانوشت دارد .

- فهرست منابع ندارد ، ولی به تناسب هر مذهب ، برخی کتاب های مهم را در فصل مربوط در داخل متن آورده است .

- کتاب دربرگیرنده اصطلاحات فقها و اصولین است ، نه اصطلاحات فقه و اصول .

- در مورد امامیه در چهار صفحه مطالبی ذکر کرده است که پس از تعریف امامیه ، فقه شیعه را نزدیک به فقه شافعی دانسته ، مهم ترین موارد اختلاف را در شش مورد بیان نموده است و مهم ترین کتب شیعه را پنج عنوان ذکر کرده است . برخی مصطلحات خاص کتاب شرایع الاسلام را نیز معنی کرده است ؛ مانند : اصطلاح - الاشهر - الاشبه - الانسب (۱۵ مورد) .

۱۴ . المعجم التطبیقی للقواعد الاصولیه فی فقه الامامیه - این کتاب را محمدحسن ربانی بیرجندی (متولد ۱۳۴۳)

گرد آورده است . چاپ اول جلد نخست آن را بوستان کتاب قم در ۴۱۵ صفحه وزیری در سال ۱۳۸۸ منتشر کرده است .

مدیریت علمی این اثر را دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان عهده دار بوده است .

- این اثر در صدد است قواعد اصولی کتب فقهی شیعه را به صورت تطبیقی ارائه کند .

- در جلد اول آن موضوعات فقهی هجده کتاب معتبر و معروف فقه شیعه را استخراج نموده ، قاعده اصولی مربوط به هر موضوع را مشخص کرده است .

- به شرح اصطلاحات اصولی نپرداخته است .

- جلد دوم آن تا کنون منتشر نشده است .

کاستی های فرهنگ نامه های موجود

کاستی های فرهنگ نامه های تدوین شده موجود را می توان

در موارد زیر خلاصه نمود :

۱ . مدخل های به کاررفته در فرهنگ نامه های موجود ، بر اساس تلفی و بررسی شخص مؤلف از منابع اصولی بوده است .

۲ . برای انتخاب اصطلاحات و ارجاعات از اصطلاح نامه استفاده نشده است و به همین دلیل شکل مدخل ها ، تعداد آنها و کیفیت ارجاعات ، کاملاً به حسب ذوق نویسندگان متفاوت شده است .

۳ . فرهنگ نامه های موجود فاقد نظام ارجاع کامل

رده‌ای از رده‌های اصول فقه، پیگیری نمایند. ۱۴. استناد مطالب به ۱۶۰ منبع و مأخذ اصول فقه؛ از شیعه و سنی.

۱۵. مشتمل بر ۹۲۰ صفحه در قطع رحلی بزرگ و حدود ۶۳۱۴۳۰ کلمه که در یک مجلد ارائه شده و این امر استفاده از آن را راحت تر و لذت بخش تر کرده است؛ چه اگر در دو یا یک چند جلد کوچک تهیه و چاپ می‌شد، این امتیاز را از دست می‌داد. ۱۶. دربردارنده اصطلاحاتی که در حوزه معرفتی اصول فقه متداول است و یا در ذخیره و بازیابی اطلاعات آن دانش به عنوان کلیدواژه به کار می‌آید و مدخل بخشی از متن منابع و بخش‌های خاص آن می‌باشد.

۱۷. بررسی حدود دویست عنوان منبع و مدرک اصول فقه (هرچند به همه آنها استناد نشده) و نگارش به نثر فارسی (منظور از فارسی، فارسی و عربی توأم است؛ زیرا غالباً اصطلاحات علوم و معارف اسلامی به زبان عربی است و به همان صورت اصلی سال‌ها، بلکه قرن‌هاست در فرهنگ جهان اسلام و ایران رواج دارد).

۱۸. تلاش بر رعایت قواعد فارسی در انتخاب اصطلاحات؛ ولی از آنجا که زبان عربی، زبان رایج، علمی و اصطلاحی اسلام است و گزارش دادن از آن نیز مبتنی بر محافظت مصطلحات همان زبان است، مشاهده می‌نمایید که آنچه نمود بیشتر و جلوه‌فراتری دارد، عربی بودن واژگان است که در فارسی هم متداول و رایج است.

۱۹. صرفاً مجموعه‌ای از تعاریف واژگانی و اصطلاحی نیست، بلکه شامل اشاره‌های تاریخی، فقهی و بیان دیدگاه‌هایی از صاحب نظران نیز می‌باشد.

۲۰. این فرهنگ نامه، تخصصی است و به هیچ وجه اصطلاحات عام و متداول خارج از محدوده علم اصول فقه، گردآوری نشده است و مواردی که به برخی حوزه‌های وابسته پرداخته است، به لحاظ تخصصی بودن و تبعیت از منابع و مأخذی است که در حوزه اصول فقه این نوع واژگان را وارد کرده و بحث‌های پردامنه‌ای از آنها ارائه نموده‌اند که اگر آن واژگان از محدوده کار خارج شود، گزارش دهی کامل و درستی از زوایای مباحث اصول فقه و وابسته‌های آن، صورت نگرفته است.

۲۱. گستره واژگانی. یکی از جنبه‌های تحسین برانگیز این فرهنگ نامه، وسعت کار و فضای وسیعی است که به هر یک از موضوعات اختصاص داده است. مقایسه مستقیم این اثر با آنچه توسط دیگران صورت گرفته است، به سبب اختلاف در حجم و تعداد مدخل‌ها روشن است؛ با وجود این، شمارشی ساده نشان می‌دهد اثر شماره یک، ۲۸ مدخل مربوط به «الف» را دربردارد

۲. شناسایی ۶۱۹۳ اصطلاح اصولی (شیعه و سنی) و گزینش ۳۰۶۳ مدخل از میان آنان و ارجاع ۲۸۷۰ اصطلاح به آنها با استفاده از نظام ارجاع مترادف و شبه مترادف و در مواردی ارجاع خاص به عام، در این فرهنگ نامه موجب وسعت و تفصیل موضوعات شده، بر اهمیت این منبع مرجع افزوده است.

۳. تبیین مفهوم هر اصطلاح در ذیل مدخل‌های پذیرفته شده با بهره‌گیری از منابع معتبر در دسترس، و استفاده از ارجاع مناسب در موارد لازم.

۴. تهیه ۲۹۷۵ مقاله کوتاه (میانگین ۲۰۰ کلمه) با ۳۰۶۳ مدخل اصلی و ارجاع ۲۸۷۰ اصطلاح که از میان ارجاعات ۱۰۱ مورد ارجاع خاص به عام است.

۵. بیان سیر تاریخی پیدایش و به کارگیری برخی اصطلاحات. ۶. یکی از وظایف مهم اثر مرجع، ارجاع به منابع اطلاعات دست‌یافتنی است که در این اثر استفاده فراگیر از منابع شیعه و اهل سنت صورت گرفته است.

۷. پرهیز از تکرار مطالب مشابه با بهره‌گیری از روش ارجاع به مباحث و مستندهای همانند.

۸. کوشش در ارائه مطالب پیچیده اصولی در قالب الفاظی روان و رعایت ایجاز و پرهیز از مطالب حشو و زاید؛ با گستردگی و تنوع مطالب ارائه شده.

۹. آوردن نام بعضی از صاحب نظران و دیدگاه‌هایشان در همان موضوع.

۱۰. استفاده از مثال‌های رایج و گوش آشنا.

۱۱. آوردن آدرس کامل منابع در پایان هر مستند؛ با فونت متفاوت از متن، به منظور مراجعه محققان در صورت نیاز.

۱۲. پرهیز از علایم و قراردادهای ویژه و استفاده از علایم متعارف برای ارجاع به برخی از مستندها، به منظور آگاهی بیشتر محققان، با استفاده از نماد معروف «ر. ک.» و «نیزر. ک.».

۱۳. تنظیم ساختار شکلی فرهنگ نامه بر اساس الفبایی حرف به حرف. این نظام الفبایی با بخش ترسیمی (درختی) اصطلاح نامه اصول فقه نیز تکمیل می‌شود؛ به گونه‌ای که پس از مراجعه به آن، نقشه‌ای از طرح کلی اصطلاحات و موضوعات مرتبط ارائه شده تا پژوهشگران دامنه بررسی خود را در هر

بررسی شود و به تصویب برسد .

ج) روابط معنایی میان اصطلاحات با دقت بررسی و تصویب می شود؛ یعنی رابطه مترادف، اعم و اخص و وابسته در اصطلاح نامه ها به درستی مشخص می شود .

د) با استفاده از ساختار الفبایی اصطلاح نامه امکان ارجاعات مترادف در حد وسیع و دقیق در فرهنگ نامه و دایرةالمعارف فراهم می شود و اطمینان به آوردن همه ورودی ها را بیشتر می کند .

هـ) با استفاده از ساختار نظام یافته و درختی اصطلاح نامه، امکان ارجاع خاص به عام و وابسته ها در فرهنگ نامه ها با دقت و شمول بیشتری وجود دارد و نقشه تحقیق و تنظیم مقاله ها را سهولت می بخشد .

و) اصطلاح نامه ها چون اصطلاحات نمایه ای را دربردارند، گستره واژگانی در آنها فراوان است؛ از این رو زمینه انتخاب مدخل های اصلی و مدخل های ارجاعی برای گزینش کنندگان مداخل فرهنگ نامه را به آسانی فراهم می کنند و راه نارفته آنها را کوتاه می کنند .

ز) ایجاد نظام ارجاعات، ارجاع مترادف، ارجاع عام به خاص و خاص به عام، ارجاع متقابل، ارجاع وابسته از امور مهم، دقیق و وقتگیر و کارآمد برای استفاده کنندگان در فرهنگ نامه و دایرةالمعارف است . همه اینها نیز با مراجعه به اصطلاح نامه در فرایند تدوین فرهنگ نامه و دایرةالمعارف یا کاملاً وجود دارد و یا بخشی از آن فراهم شده است .

ح) اصطلاح نامه ها در ردیف منابع زیربنایی در تدوین فرهنگ نامه و دایرةالمعارف و مقوله هایی از این دست می باشند .

این فرهنگ نامه از اصطلاح نامه اصول فقه^{۱۸} برای گزینش مدخل ها استفاده کرده است و ارجاعات همعرض (مترادف) و عام و خاص و وابسته را نیز بر اساس آن برقرار نموده است؛ لذا از این جهت علاوه بر شمول، دقت و انسجام مناسب تری دارد و در نوع خود در این رشته اولین اثر است و به لحاظ تحول اساسی که در طرح و ساختار فرهنگ نامه ها پدید آورده، طلایه دار مرحله جدیدی در فرهنگ نامه نویسی می باشد .

۱۷ . تاکنون بیش از دویست هزار اصطلاح در رشته های مختلف علوم اسلامی مانند: علوم قرآنی، فلسفه اسلامی، کلام اسلامی، اصول فقه، اخلاق اسلامی، منطق، علوم حدیث و فقه توسط مرکز اطلاعات و مدارك اسلامی وابسته به معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی آماده و عرضه شده است . (ر. ک به: اصطلاح نامه های یادشده - انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی).

۱۸ . اصطلاح نامه اصول فقه؛ مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، واحد اصطلاح نامه علوم اسلامی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۸ .

و اثر شماره دو ۱۳۵ مدخل را و همین حرف در فرهنگ نامه اصول فقه ۷۳۹ مدخل را شامل می شود . این در حالی است که شماره مدخل ها در فرهنگ نامه اصول فقه هم اکنون از ۶۰۰۰ تجاوز کرده است و مهم ترین علت این امتیاز، استفاده از اصطلاح نامه علوم اسلامی،^{۱۷} شاخه اصول فقه است .

۲۴ . شیوه مدخل گزینی . اصولاً برای نگارش فرهنگ نامه، آنچه در رتبه اول اهمیت قرار دارد، تهیه مدخل هاست . هیچ فرهنگ نامه یا دایرةالمعارفی پدید نخواهد آمد مگر مدخل های آن مشخص شود . در گزینش مدخل، شیوه های مختلفی وجود داشته و متعارف است: ۱ . بررسی مدخل های دایرةالمعارف ها و فرهنگ نامه های عمومی و تخصصی مشابه؛ ۲ . مراجعه و بررسی منابع مرجع و هسته در رشته ها و یا رشته موضوع فرهنگ نامه . قاعدتاً این شیوه اصالت بیشتری دارد؛ چون مدخل ها مستقیم از کتاب های دست اول حوزه مربوط، به دست می آیند؛ ۳ . مراجعه به نمایه ها، خلاصه ها و فهرست منابع و اطلاعات کتابشناختی و فهرست های توصیفی و تحلیلی به خصوص با بهره گیری از فناوری های رایانه ای و نرم افزاری؛ ۴ . استفاده از اصطلاح نامه که گنج واژه است و مجموعه واژه های اصلی و مرتبط در رشته های دانشی را در قالبی ساختارمند و با اصولی از قبل برنامه ریزی شده در اختیار می گذارد .

شیوه چهارم، کامل ترین و مقرون به صلاح ترین شیوه است؛ ولی مشکل اصلی این است که اولاً اصطلاح نامه ها در حوزه های دانشی تهیه می شوند و واژگان عام و یا حوزه های عمومی کمتر مورد توجه است؛ ثانیاً استفاده از اصطلاح نامه ها در فرایند مدخل گزینی فرهنگ نامه ها و دایرةالمعارف ها در کشور ما هنوز متداول نیست؛ در حالی که اصطلاح نامه ها بیشترین کمک را به گروه های مدخل یاب می کنند؛ زیرا:

الف) اصطلاح نامه نویسان با مراجعه به نمایه ها، کتاب شناسی ها، فرهنگ نامه ها و دایرةالمعارف های موجود و از همه مهم تر با مراجعه به کتاب ها و منابع اصلی رشته های علمی، اصطلاحات نمایه ای را استخراج می کنند .

ب) کار اصطلاح نامه گروهی است (نه فردی) و اصطلاحات استخراج شده از منابع فوق، باید توسط گروه های تخصصی